

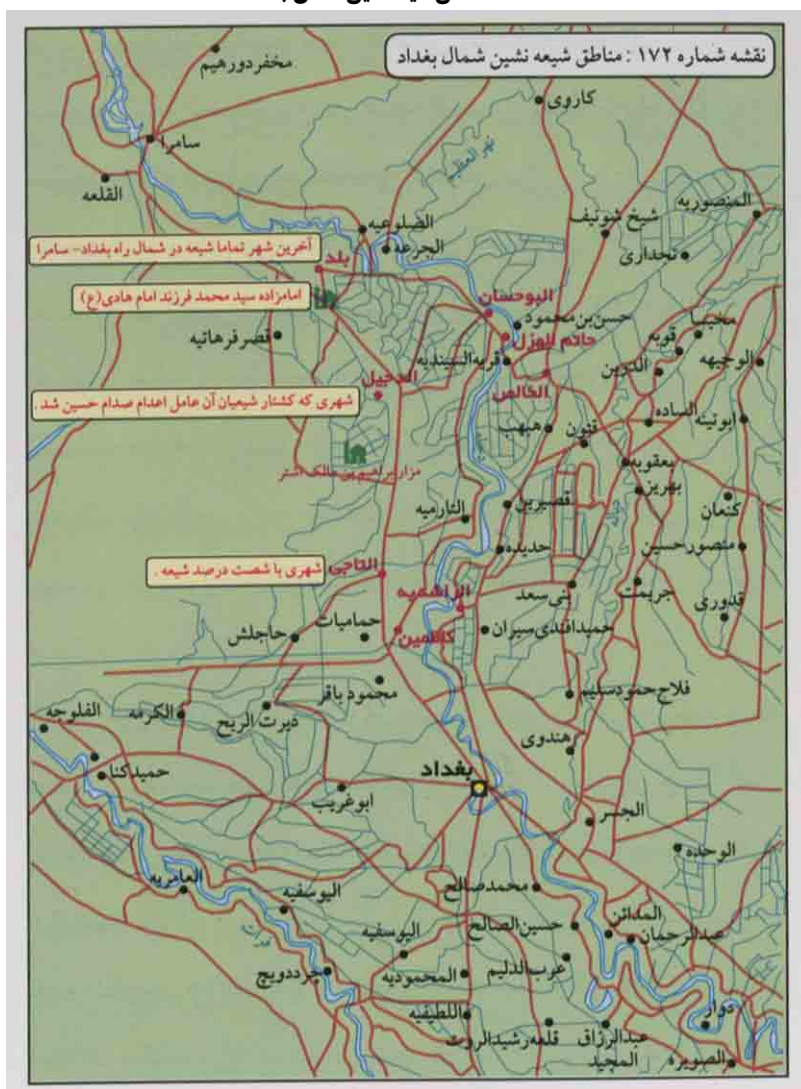
تشیع در شهر بَلَد

شهر بلد از شهرهای کهن عراق است که آثار و تپه های تاریخی فراوانی از روزگاران قدیم دارد و در اطراف آن، روستاها و باغستان های فراوانی وجود دارد. چهار ناحیه دجیل، یثرب، ضلوعیه و اسحاقی، تابع شهر بلد هستند. شهر دجیل نیز شهری شیعه نشین است که به دلیل قتل عام شیعیان آن توسط صدام (با اعدام ۱۴۳ نفر در یک روز) در سال ۱۹۸۲، وی به مجازات مرگ محکوم گردید و در ۳۰ دسامبر ۲۰۰۶ اعدام شد.

در منطقه بلد، تعداد زیادی از عشایر عرب زندگی می کنند که برخی از مشهورترین آنها عبارت اند از: آل حداد، حیالین، البوعباس، داودیین، آل عابد، آل عاملی صولی، آل اعلی التاجر، آل وردی، آل الشدید، آل دویس، آل جریو، البومحمود، آل حسب الله (از ربیعہ طی)، بیت نوز، بیت صفران (از شمر)، وزون (از خفاجه). همین طور طوایفی از بنی اسد، قیس، طی، خزاعل و دیگران. در خارج از شهر نیز طوایف دیگری زندگی می کنند. در جمع ۵۶ عشیره از عدنانی ها و ۴۷ عشیره از قحطانی ها در این منطقه ساکن هستند.

یکی از مهم ترین آثار شیعی بلد، مزار سید محمد فرزند امام هادی - علیه السلام - است که در گذشته در سه کیلومتری شهر و اکنون متصل به بلد است. این مزار همواره مورد توجه عراقی ها و زائرانی بوده است که فاصله کاظمین تا سامرا را طی می کرده اند. در سال های اخیر بارها، بعضی ها و القاعده ای ها به بنای این مسجد آسیب رسانده اند.

نقشه ۱۷۲: مناطق شیعه نشین شمال بغداد



مقام الحسن که به احتمال منسوب به امام عسکری بوده در محله باب السور بوده که در سال ۱۹۶۹ از میان رفته و در سال ۱۹۹۵ مسجدی با قبه ای که کاشی های آبی آن را پوشانده در آنجا ساخته شده است.

مزار ابوسنان سیف الدین محمد عقلی امیر بنی عقل (م ۴۲۵) در این شهر قرار دارد. وی مورد ستایش سید مرتضی قرار گرفته و اشعاری درباره وی سروده است. مزار وی در میان دو ایستگاه قطار سمیکه و بلد قرار دارد. یکی از قدیمی ترین علمای شیعه این شهر محمد بن احمد بن خباز بلدی است که حافظ قرآن، شیعه مذهب و شاعر اهل بیت بوده است (الوافی: ۵۷/۲).

باغستانی با نام «شجیرات العسل» نیز هست که بر اساس آنچه مردم اظهار می دارند چراگاه شتران و اسبان امام علی علیه السلام در جریان جنگ نهروان بوده است. در شهر بلد که تمامی ساکنانش شیعه مذهب هستند، و تنها چند روستا در اطراف آن سنی نشین است، شمار زیادی مسجد و حسینیه وجود دارد. برخی از معروف ترین آنها عبارت است از:

مسجد بلد الکبیر در بازار بزرگ (آخرین تعمیر در سال ۱۳۹۳ ق)

مسجد باب السور (ساخته ۱۳۶۷ ق)

مسجد و حسینیه الزهراء (س) در میان راه بلد و امامزاده سید محمد.

مسجد الزهراء در محله الزهراء (ساخته ۱۹۸۴)

مسجد الحمزه در محله شهداء (ساخته ۱۹۸۳)

مسجد سید الشهداء در محله العباس (ساخته ۱۹۸۸)

مسجد الامام الصادق (ع) در محله الحسین (ساخته ۱۴۱۸)

مسجد الامام المهدی (ع) در حی الحسین.

مسجد الامام علی در محله باب الخان (افتتاح در ۱۴۲۴ق)

حسینیه بلد الکبیر در محله باب السرای (ساخته ۱۳۴۹ ق)

حسینیه عطارین در محله العطارین (ساخته ۱۳۷۸ ق)

حسینیه مربعه در محله المربعه (ساخته ۱۳۷۹)

حسینیه باب السور در محله باب السور (ساخته ۱۳۸۴ق)

حسینیة الرسول در خیابان البرید (ساخته ۱۴۲۵ بعد از سقوط صدام).

طی این سالها عالمان فراوانی در این شهر زندگی می کردند که نمایندگی مراجع مهم تقلید عتبات را داشتند. برخی از اینان اهل بلد و برخی علمایی بودند که بنا به دعوت مردم و توصیه علما در این شهر ساکن شدند. مردم این شهر در جریان قیام شیعیان علیه انگلیسی ها به رهبری علمای شیعه مشارکت فعال داشتند. آیت الله حکیم نیز به مردم این شهر توجه داشت و در ۱۹۶۳/۱۱/۵ از بلد بازدید کرده و مردم در حسینیه بزرگ شهر از ایشان استقبال کردند. با توجه به ممنوعیت برگزاری مراسم سوگواری امام حسین (ع) در فاصله سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۳ مردم این شهر زیر فشار نظام بعثی قرار داشتند. در جریان انتفاضه شعبان ۱۹۹۱ تعداد زیادی از افراد بی گناه این شهر به زندان افتادند. طی این سالها ۳۹۵ نفر از شیعیان این شهر اعدام و ۲۲۵ نفر

زندانی شدند و بیش از یک صد خانواده به اجبار در صحرای سماوه در جنوب غرب عراق اسکان داده شدند.

ترکمانان شیعه در عراق

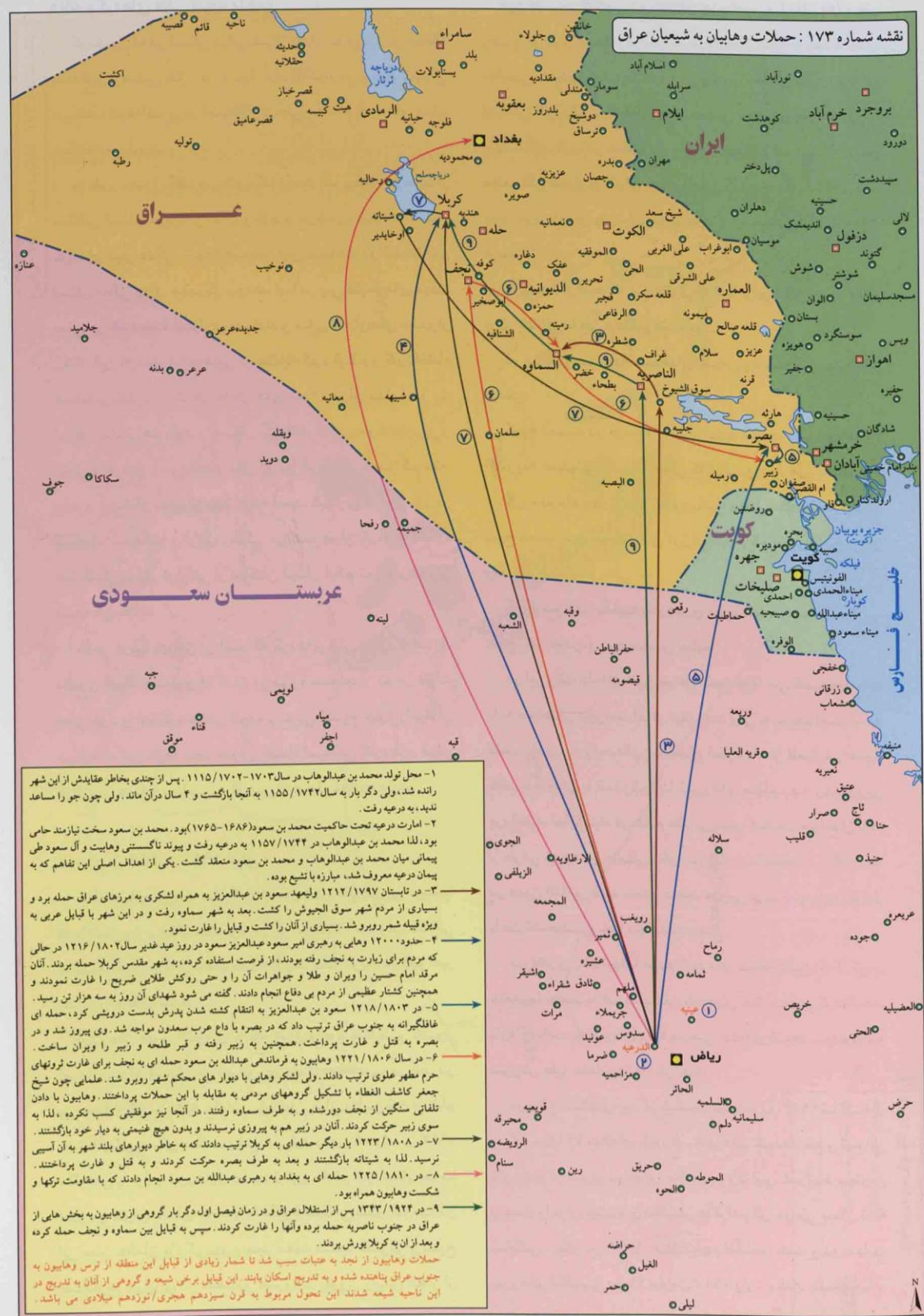
ترکمانان شهر تلّعفر داقوق، تازه خورماتو، طوز خورماتو و ناحیه بشیر که در مسیر کرکوک به سمت جنوب تا قرّه تپه قرار دارد، مذهب شیعه دارند. همین طور در شهرها و مناطق التونکوبری، کرکوک و کفری که کردسنی هستند، شمار زیادی ترکمان شیعه زندگی می کنند. ترکمانان عراق که غالباً مذهب تشیع دارند، در دوره بعثی ها، دوران سختی را گذراندند. گفته شده است که تشیع ترکمانان به زمان شاه روح، نواده تیمور، می رسد، زمانی که دولت قراقویونلو به رهبری جهانشاه بر بغداد و به خصوص نواحی شمال حاکم گشت (۸۵۱/۱۴۴۷) و دولت خود را تا جنوب عراق گسترش داد. این ترکمانان، تشیع را در عراق به خصوص میان ترکمانان ساکن آن نواحی که از پیش بودند توسعه بخشیدند. بعد از آن شاه اسماعیل (۹۰۶-۹۳۰) تشیع را میان ترکمانان گسترش داد. در این دوره، بسیاری از خلیفگان و داعیان شاه اسماعیل در مناطق ترکمان نشین فعالیت تبلیغی داشتند و رفت و آمد می کردند. این زمان شیعیان ترکمان، فرقه های مختلفی از قبیل علوی، بکتاشی، صارالی و... بودند.

جماعت ترکمانان پس از اشغال عراق توسط انگلیسی ها به کربلا و نجف رفت و آمد کردند و پیوندشان با تشیع فقهاتی، قوی تر شد. روزگاری صدام در صدد جذب آنان برآمد و اجازه تأسیس جمعیت ها و نشریاتی را به آنان داد. اما اندکی بعد وقتی احساس کرد توفیقی در جذب ترکمانان ندارد، مدارس آنان را تعطیل کرده و بسیاری از معلمان را از کرکوک و مناطق اصلی ترکمان نشین تبعید کرد. این زمان هر چه کرد و ترکمن بود از شرکت نفت بیرون کردند و بسیاری را به جنوب تبعید نمودند. این وضعیت، نوعی اتحاد را میان ترکمانها و کردهای منطقه ایجاد کرد.

پس از انتفاضه جنوب در سال ۱۳۶۹/۱۹۹۱ ش صدام به سراغ ترکمانان آمد، به طوری که بسیاری از آنان به نواحی مرزی ترکیه گریختند تا از آسیب بعثی ها در امان باشند. در یک دوره، بعثی ها بسیاری از ترکمانان شیعه را به اتهام وابستگی به حزب الدعوه تحت فشار گذاشته و تعداد زیادی را کشته یا تبعید کردند. ترکمانان سنی و شیعه تاکنون روابط بسیار نزدیکی داشته و برای نمونه ترکمانان سنی کرکوک با ترکمانان روستای تسعین که همه شیعه هستند، رابطه

دوستی دارند. همین وضعیت در میان همه ترکمانانی که در منطقه ای حد فاصل میان خانقین تا تلعفر هستند وجود دارد. بیشتر ترکمانان اطراف موصل، شیعه هستند. در حالی که ترکمانان اطراف تلعفر، غالباً سنی اند. شمار ترکمانان شیعه در داقوق، توزخرماتو، قره تپه، دیالی، خانقین و مندلی بسیار بیشتر است (برگرفته از سایت: www.alturkmani.com) (اطلاعات دقیق تری درباره محل سکونت شیعیان و سنیان ترکمان در موصل، کرکوک، اربیل، تلعفر و... را بنگرید در سایت: www.al-hekma.org. مقاله: التركمان الشيعة و حقوقهم المغیبه). اکنون که این مطالب نوشته می شود، جنگ طائفی در عراق دامن ترکمان های شیعه و سنی را هم گرفته و مع الاسف نخستین بار تعدادی از ترکمانان سنی در تلعفر، دست به کشتار ترکمانان شیعه زدند تا آنان را از این شهر برانند.

نقشه شماره ۱۷۳: حملات وهابیان به شیعیان عراق



دیاله و کردهای فیلی شیعه مذهب

کردهایی که در استان دیالی شرق بغداد، به ویژه در منطقه خانقین و همین طور در محله عقد الاکراد در بغداد زندگی می کنند، شیعه اند و در اصطلاح محلی به نام کردهای فیلی شناخته می شوند.

به طور معمول گفته می شود که دست کم پنجاه درصد از ساکنان استان مزبور از عرب و کرد و ترکمان، شیعه هستند. کردهای فیلی همگی شیعه هستند. این جماعت در گذشته در استان دیالی عراق متمرکز بودند، اما در پی فشارهای دولت بعثی، پراکنده شده بسیاری به بغداد و سایر استان های همجوار رفتند. این کردها، شاخه هایی از عشایر کرد ایلام و کرمانشاه هستند و کمترین ارتباطی با کردهای شمال عراق ندارند و به لحاظ سیاسی هم خود را مستقل می دانند. اینان عموماً فارسی و عربی و کردی را می دانند و دلیل آن نیز این است که در گذشته، رفت و آمدشان به ایران زیاد بوده است. شماری از آنان نیز در کرکوک، سلیمانیه و اربیل زندگی می کنند. همان گونه که اشاره شد شمار بسیار فراوانی از ساکنان استان ایلام نیز کرد فیلی شیعه می باشند.

حدس قریب به یقین آن است که کردهای فیلی عراق، قریب یک میلیون نفرند. بسیاری از آنان در دوره صدام، از ترس دولت بعثی خود را عرب معرفی کرده و حتی تشیع خود را پنهان می کردند. این طایفه تحت عنوان «اتحاد اسلامی کردهای فیلی عراق» در صحنه سیاسی عراق پس از صدام فعالیت دارند.

شیعیان در انقلاب ۱۹۲۰ عراق

جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ آغاز شد و امپراتوری بریتانیا که با آلمان وارد جنگ شده بود، در نوامبر ۱۹۱۴ به دولت عثمانی که متحد آلمان بود، از سمت دهانه اروند حمله کرده، در ۵ نوامبر بصره را اشغال نمود.

این زمان هنوز کشوری به نام عراق وجود نداشت و کشور امروزی عراق قسمتی از امپراتوری عثمانی محسوب می شد. در پی حمله انگلیسی ها به عثمانی، شیعیان عراق با این که از ظلم عثمانیهای سنی مذهب رنج می بردند، در ۹ نوامبر ۱۹۱۴ مقاومتی را برابر نیروهای مهاجم ترتیب دادند. این مقاومت با اجازه و فتوای علمای نجف و با انگیزه اسلامی شکل گرفت.

در این میان عالمان بزرگی چون سید محمد سعید حبّوبی و شیخ عبدالکریم جزایری در نجف در ضرورت بیرون راندن کفّار از عراق سخنرانی کردند.

آیت الله سید کاظم یزدی نیز در حرم امیر مؤمنان (ع) منبر رفت و مردم را به دفاع فراخواند. در کاظمین شیخ محمد مهدی خالصی جنبشی را هدایت کرد و بر وجوب دفاع از سرزمین های اسلامی فتوا داد. در کاظمین سید مهدی حیدری بر ضرورت جهاد تأکید کرد. در سامرا مرجع برجسته وقت آیت الله شیخ محمد تقی شیرازی فتوای جهاد صادر کرد، و شیخ محمدرضا پسر خود را برای پیوستن به سید مهدی حیدری به کاظمینفرستاد.

لازم به ذکر است که این فتاوی نه تنها برای انگلیسی ها بلکه برای عثمانی ها نیز غافلگیر کننده بود.

در نخستین مواجهه مجاهدان شیعی به سه گروه تقسیم شدند:

گروه نخست در قرنه به رهبری سید مهدی حیدری، شیخ الشریعه اصفهانی، سید مصطفی کاشانی، و سید علی داماد.

گروه دوم: در هویزه به رهبری شیخ مهدی خالصی، فرزندش شیخ محمد، سید محمد یزدی فرزند سید کاظم یزدی، شیخ جعفر راضی و سید کمال حلی.

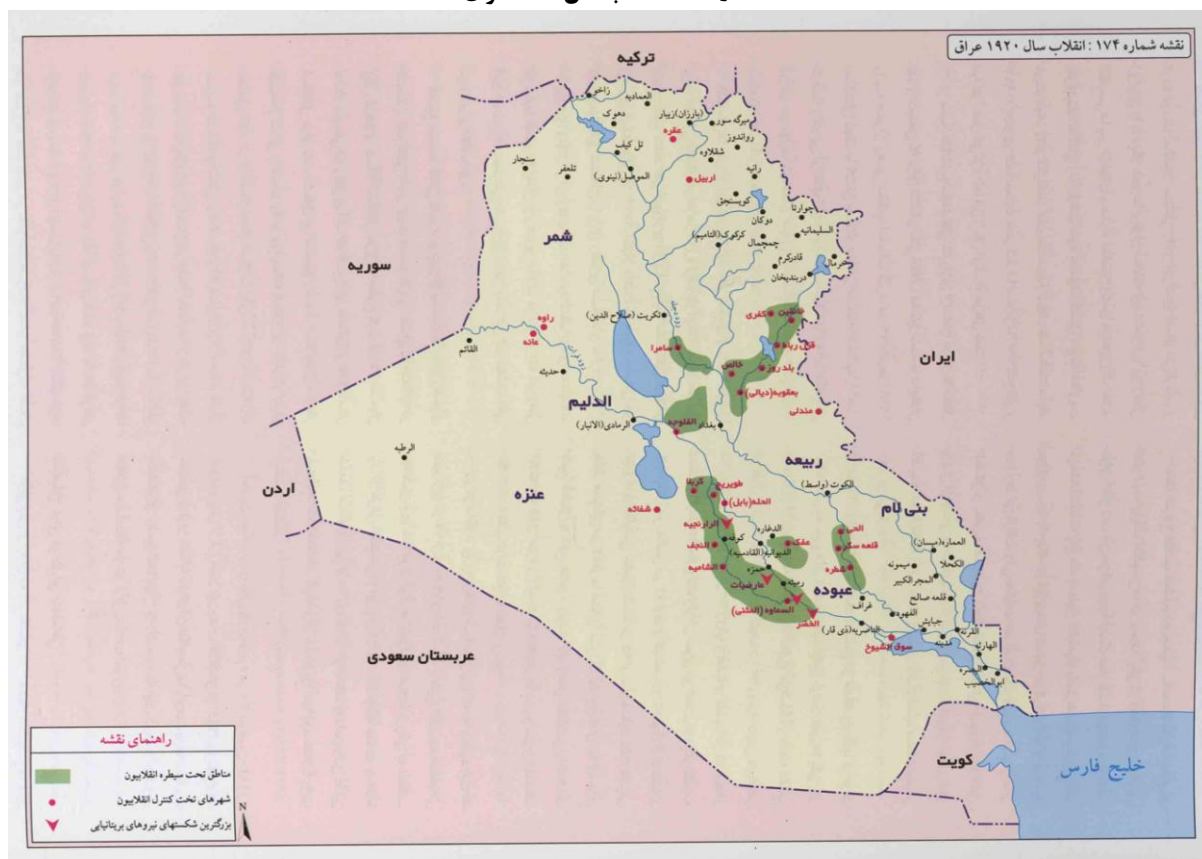
گروه سوم در شُعبیه به رهبری سید محمد سعید حبّوبی، شیخ باقر حیدر، و سید محسن حکیم.

در این وقت علما از شیخ خزعل، شیخ قبیله بنی کعب خواستند تا به مجاهدان بپیوندند، اما او نپذیرفت، ولی به درخواست سید کاظم یزدی، به واحدهای مجاهدان اجازه داد از قلمروش عبور کنند. مجاهدان با تمام قوا با نیروهای مهاجم به رویارویی پرداختند، اما اشتباه فرمانده عثمانی سبب شکست مجاهدان شد. از طرفی نیروهای عثمانی بنای بدرفتاری با شیعیان را گذاردند. در همین اثنا نیز سید محمد سعید حبّوبی فوت نمود. این عوامل باعث تضعیف روحیه مجاهدان شد. بدرفتاری عثمانیها با مردم شهرهای شیعه نشین، که از ترس عثمانیها نسبت به قدرت یافتن شیعیان حکایت می کرد، ابعاد تازه ای یافت، به گونه ای که برخی علمای شیعه مردم را به شورش علیه عثمانی ها فراخواندند.

در واقع سالهای پس از شکست شعبیه در ۱۹۱۴ تا اشغال بغداد در ۱۹۱۸ سالهای شورش شهرهای شیعه و قلع و قمع این شورشها از سوی ترکهای عثمانی بود. این شرایط بهترین فرصت را برای پیشروی انگلیسی ها فراهم کرد، و طی پیمان نامه سایکس - پیکو در ۱۹۱۶، عراق

سهم انگلیس شد، و در نهایت نیروهای انگلیسی در ۱۱ مارس ۱۹۱۷ وارد بغداد شدند. با از میان رفتن دولت عثمانی، روند جهاد وارد مرحله جدیدی شد.

نقشه شماره ۱۷۴: انقلاب سال ۱۹۲۰ عراق



علمای نجف که در سال ۱۹۱۷ عثمانی ها را از این شهر بیرون کرده بودند، حاکمیت مستقلی را در این شهر اعمال می کردند، و روابطی را با دیگر شهرها برقرار ساخته بودند، از این رو وقتی انگلیسی ها پس از جذب و همراه ساختن رئیس قبیله بزرگ عنزه، خواستند، حاکمی را از جانب خود به نجف گسیل دارند، مقاومت مردم نجف را برانگیختند. مقاومت مردم نجف که مانند جهاد ۱۹۱۴ از سوی علما حمایت نمی شد تا مارس ۱۹۱۸ کج دار و مریض عمل می کرد؛ اما این زمان اوضاع عوض شد.

در همین اثنا شیخ محمد تقی شیرازی از سامرا به کربلا منتقل شد و مجمعی که برای سامان دهی انقلاب تشکیل شده بود ایشان را به عنوان رهبر انقلاب انتخاب کرد. در ۱۹ مارس ۱۹۱۸ مجاهدان نجف با کشتن حاکم نظامی منطقه، انقلاب را آغاز کردند، و در پی آن شهر نجف به محاصره نیروهای انگلیسی درآمد. در نهایت مجاهدان مجبور به تسلیم شدند، و بسیاری از مجاهدان دستگیر، تبعید و یا اعدام شدند.

انگلیسی ها پس از این جریان، یک نظر سنجی و رأی گیری را برای آشنایی با نظر مردم در مورد رهبری آینده عراق ترتیب دادند. شیخ محمد تقی شیرازی در پاسخ به استفتائی در باب رهبری آینده عراق در ۱۹۱۹، اظهار داشت که هیچ مسلمانی حق انتخاب یک غیر مسلمان را برای رهبری مسلمانان ندارد.

این فتوا و پس از آن وفات آیت الله سید کاظم یزدی، سبب شد مرجعیت اعلای شیعیان و رهبری انقلاب هر دو در یک نفر یعنی آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی تحقق یابد. این امر نقطه عطفی در رهبری انقلاب بود.

شیخ محمد تقی شیرازی پس از بدست گرفتن رهبری شیعیان، تحرکاتی را در جهت همسو کردن عشایر با انقلاب در پیش گرفت و مسأله استقلال عراق را مطرح کرد. در ۱۵ شعبان ۱۹۲۰ مجمعی به رهبری آیت الله شیرازی تشکیل و خواستار استقلال عراق شد. تشکیل این مجمع وحدت انقلابیون مناطق شیعه و سنی را تحت رهبری آیت الله شیرازی بیش از پیش تضمین کرد. در رمضان همان سال در پی سرکوب تظاهرات مردم شیعه و سنی بغداد، آیت الله شیرازی از مردم عراق خواست تا به یاری برادرانشان در بغداد بشتابند. از طرفی جلسه ۱۵ شعبان بر تحرکات انقلابی و استقلال خواهانه در مناطق فرات میانه به طور فزاینده ای افزود. در واقع انقلاب، پس از ۱۵ شعبان ۱۳۳۸/۱۹۲۰ وارد مرحله جدیدی شده بود. با بالا گرفتن اوضاع، آیت الله شیرازی توسل به زور را در مقابله با انگلیسی ها در صورت عدم پذیرش خواست مردم، جایز شمرده اعلام کردند که اکنون وقت احقاق حق است.

نقطه شروع انقلاب مسلحانه جدید، با حمله افراد عشیره الطوالم به پایگاه انگلیسی ها در رمیثه، یکی از شهرهای جنوبی عراق آغاز شد. این درگیری به جنگ عارضیات شهرت یافت. مرحله جدید که پنج ماه به طول انجامید، با سرعت به بیشتر نقاط عراق رسید. با اینکه درگیری های اصلی در کربلا، حله و دیوانیه صورت می گرفت، ولی عملیات مسلحانه کم کم به استان های المنتفق و بعقوبه، همچنین شمال بغداد، مندلی، شهربان، خانقینو پس از چندی به کرکوک و اربیل

و دلیم، سامرا و دیالی نیز کشیده شد. انقلاب را در بغداد و شمال بغداد سید محمد صدر رهبری می کرد.

در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۰ شکست سنگینی در منطقه رارنجیه در فرات میانه، متوجه نیروهای انگلیسی شد. بدین ترتیب شهرها یکی پس از دیگری از زیر سلطه انگلیسی ها خارج می شدند، و شعله انقلاب در طول فرات امتداد یافت. ابتدا نجف در ۲۲ ژوئیه، سپس کربلا در ۲۵ ژوئیه و بعد دیوانیه در ۳۰ ژوئیه و هندیه و مسیب در ۱۵ اوت از دست انگلیسی ها خارج شد و از آن سوی نیز انقلاب تا دیالی کشیده شد. بعقوبه و خالص در ۱۲ اوت و الخضر در ۱۳ اوت آزاد شد، و نیروهای انگلیسی مجبور شدند در ۱۵ اوت از شطره عقب نشینی کنند. همچنین در ۱۵ اوت عشایر سنّی فلوجه و رمادی به رهبری شیخ الضاری، شیخ عشیره زوبع، نیروهای انگلیسی را شکست دادند؛ اما قبایل عنزه و دُلیم که با انگلیسی ها سر و سرّی داشتند، نگذاشتند انقلاب فرات علیا به کمال برسد.

در گرما گرم پیروزی های مجاهدان بود که به یکباره آیت الله شیرازی در ۱۷ اوت ۱۹۲۰ وفات نمود، و شیخ الشریعه اصفهانی جانشین وی شد، فوت آیت الله شیرازی ضربه بزرگی به انقلاب زد. از طرفی انگلیسی ها نیز پس از چند ماه جنگ سخت، به نقاط ضعف مجاهدان پی برده بودند، لذا توانستند با دامن زدن به این ضعف ها که اختلافات قبیله ای از مهمترین آنها بود، انقلاب را به شکست بکشند.

آخرین جنگ در نزدیکی پل سویره در ۲۰ نوامبر ۱۹۲۰ رخ نمود، و پس از آن میان نیروهای انگلیسی و انقلابیون قرارداد صلحی برقرار شد. به دنبال آن انگلیسی ها وارد شهرها شده و به دستگیری وسیع انقلابیون پرداختند. به این ترتیب ۱۷۰ روز انقلاب مسلحانه مردم عراق شکست خورد.